

نطق پیش از دستور

انسان ها در امور مادی و اقتصادی حسابگرانی دقیق هستند ولی در ایمانشان و میزان تغییر در خلقیاتشان حسابگر نیستند. و در ابهام زندگی می کنند. و این خیلی بد است چون زندگی معنوی انسان بیش از هرچیزی نیازمند سنجش است. و خداوند در قرآن مؤلفه های کیفی را به کمی تبدیل کرده است برای همین منظور. و ما باید خودمان را با این مؤلفه ها بسنجیم.

ما در زندگی معنوی به شدت نیازمند سنجش هستیم و متأسفانه این کار را نمی کنیم. برای ماه مبارک، برای نمازهایمان، برای قرآن خواندلمان.

این که از خودمان این سوال را بپرسیم چقدر نماز خواندلمان در دوری ما از فحشا و منکر تاثیر داشته ؟ و اگر متوجه شویم که نمازمان ما را ارتقا نمی دهد پس باید شیوه مان را تغییر دهیم.

خداوند در کلام وحی برای تحقق موضوعات ملکوتی، راه کارهای عینی مطرح کرده و در عین حال امکان ارزیابی ایجاد کرده است.

ما باید خودمان و اعمال معنویمان را ارزیابی کنیم.

زندگی معنوی، زندگی ای بسیار پر مؤلفه است درحالیکه ما بسیار اجمالی و بسیط به آن نگاه میکنیم و تمرکز ما بیشتر روی زندگی مادی است.

ما دنیاگرا نیستیم ولی آخرت گرا هم نیستیم.

گرایش به موضوعی، نیاز به ارزیابی و سنجش دارد.

هرکسی باید برای اقدامات زندگیش مقصد تعیین کند و میزان رسیدن به آن را ارزیابی کند.

پس از ارزیابی اگر در مسیر بودیم باید با سرعت بیشتر پیش رویم و اگر نه، باید مشکل را پیدا کرده و سعی در حل آن داشته باشیم.

ان شاءالله به برکت ماه مبارک رمضان، موضوع ارزیابی معنوی در ما روشن و فعال شود.

سوره مبارکه تغابن

دسته اول: آیات ۱ تا ۴ موضوع: خلقت و توجه به مبدأ

دسته دوم: آیات ۵ تا ۱۰ : توجه به مقصد و روز جزا

غبن : شما در آستانه برنده شدن بوده اید ولی به دلیل غفلت از موضوعی که شما را از آن برحذر داده بودند، پیروزی را از دست می دهید، شکستی ابدی و بسی دردناک

دسته سوم: آیات ۱۱ تا ۱۳ : موضوع مصیبت ها و هدایت قلب مومنین

دسته چهارم: ۱۴ تا ۱۷

انسان در مواجهه با اموال و اولاد و خانواده دچار فتنه میشود پس باید ایمانی داشته باشد که او را در این صحنه ها نگه دارد

دسته آخر: آیه انتهایی آیه ۱۸: موضوع علم خداوند و صفت عزیزحکیم خداوند

سوره مبارکه تغابن تعداد زیادی اسماء و صفات الهی را در لابلای آیات و صحنه ها دارد. و این تفاوت این سوره با سوره حشر است که در سه آیه، اسماء و صفات جمع شده بودند.

به ندرت آیاتی پیدا میشود در سوره تغابن که اسم و صفتی از خدا را نداشته باشد. و این خیلی منحصر به فرد است که در تمامی کلام های یک سوره اسماء الهی حضور داشته باشند.

دیدن نظام سِرِّ و عِلْن (آیه ۴ سوره تغابن) بسیار ارزشمند است.

این که من باید بدانم خدا این گونه است و باید در همه عرصه های زندگیم، حواسم به سر و علن کارهایم باشد.

یک روش دیگر مطالعه سوره دسته بندی سوره بر اساس هدایت و ضلالت است: ذیل آیه فمکنم کافر و منکم مومن با این بررسی می توان ترسیم دقیقی از جریان کفر و جریان هدایت ذیل مولفه های ساختار وجودی انسان داشت. ادراک، باور، مرکز توجه، صفات، گرایشات، اعمال و...

جریان مومنین در سوره تغابن:

صفت ایمان دارند

ایمان به خدا و رسول و نور نازل شده دارند

قلبشان هدایت شده است

پیروی همراه با میل دارند(طوع)

توکل به خدا دارند

واکنش آن ها در قبال سایرین: عفو و صفح و غفران

اهل انفاق هستند و ریشه آن کنترل بخل درونی (شح نفس) است.

رخدادهایی که در سوره بیان شده، روال زندگی انسان را به چالش می اندازد و لازم است شخص مسلح به ایمان باشد تا بتواند این چالش ها را مدیریت کند.

تقوا، اطاعت، انفاق، یوق شح نفس و قرض دادن راه حل هایی است که خدا برای مدیریت این چالش ها ارائه داده است. چقدر دردناک است که کسی در جریان حق باشد ولی به دلیل غفلت از راهکارهای سوره دچار غبن میشود.

عداوت و فتنه وقتی در سیستم خانوادگی مومن وارد میشود، چالش بسیار بزرگی برای مومنین است و در چنین موقعیتی، دشمن انسان، ضعف در ایمان اوست.

اگر شخص ایمانش ضعیف نباشد، در دشمنی خانواده اش میتواند در این چالش ایمانش را حفظ کند و دچار غبن نشود.

در سوره های قبل عوامل کلان تری بیان شد ولی آسیب های این سوره بسیار جزئی و پایه ای است و در حوزه خانواده است. مشکل این سوره، دل مشغولی به مایملک است که در میدان جهاد روحیه مومن را سست میکند.

خداوند تهدیدات جدی را فرصتی برای رشد انسان قرار داده و لذا فرصتی برای تجلی دادن اسماء و صفات الهی ذکر شده در سوره توسط مومنین است.

سوره، سوره ایمان مستحکمی است که انسان را و ایمانش را در چالش ها حفظ کند.

خداوند در زندگی حقوق مختلفی بر گردن ما گذاشته است که بالاترین آن، حق رسول بر گردن ماست..

گاهی مومنین بدون برنامه هستند و توازن بین ادای این حقوق ندارند. و قطعاً بعداً غبن خواهند داشت.

کسی حق ندارد اسم بی برنامهگی و بی توجهی خود را جهاد بگذارد. و اگر در چنین شرایطی خانواده و کسانی که حق دارند بر گردن ما شاکی شوند مشکل از ماست و باید درستش کرد.

کسی که در حد وسع و برنامه اش به همه حقوقی که بر گردنش هست می رسد، معلوم هست که اولویت های جهادی ای هم دارد و قطعاً نمی تواند مثل بقیه زمان برای برخی کارها بگذارد. این جاست که اطرافیان ممکن است شاکی شوند و با حرف ها و عملشان، فرد را از جهاد دور کنند. و اینجاست که بحث عداوت و فتنه بودن آنها مطرح میشود. این شرایط بسیار سخت است برای مومن و چالش بزرگی برای اوست.

طبق سوره تغابن در چنین شرایطی مومن نباید مضطرب شده و به هم بریزد و این در گروه ایمان قوی است.

بررسی اسما و صفات الهی در سوره مبارکه تغابن

له الملک و له الحمد: هر مالکیت و زیبایی برای خداست

و هو علی کل شی قدیر: او است که همه چیز را تقدیر میکند و قادر به هر کاری است.

خداوند بصیر است

و الیه المصیر: هر شدنی به سمت خداست

یعلم ما یسرون و ما یعلنون: علم به سر و علن نزد اوست

والله غنی حمید: خدا بی نیاز از ایمان آن هاست و بسیار ستوده است. بر ساحت او به واسطه کفر عالم گرد سوئی نمیشیند.

ذلک علی الله یسیر: برای خدا آسان است

ما تعملون خبیر: به اعمال شما جزء به جزء آگاه است

بکل شیء علیم: خدا به همه چیز عالم است (غرر آیات سوره)

الله لا اله الا هو: هیچ خدایی جز او نیست

غفور رحیم: غفران و رحمت و فیض خاص نزد خداست

عنده اجر عظیم: در نزد خدا اجر عظیم است

شکور حلیم: خدا بسیار شکور و بسیار حلیم است

عالم الغیب و الشهاده:

العزیز الحکیم:

در هم تنیدگی اسماء الهی در این سوره بسیار مهم است و راهبرد مشکلات مطرح شده در سوره است

اگر مقابله با دشمن سخت است ولی در عوض خدا غفور رحیم است.

اگر مصیبتی به انسان می رسد ولی خدا علیم است و جای نگرانی نیست

قیامت ممکن است و برای خدا آسان است .

خداوند قدیر بر همه چیز است، مالکیت مطلق از آن اوست و حمد و حسن مطلق برای اوست:

یعنی موقعیتی که من هم در آن هستم خداوند تقدیر کرده است

یعنی امر و نهی در هر موقعیت تنها از آن خداوند است

یعنی هر زیبایی که در هر موقعیت جلوه میکند از آن خداوند است

این نظام سه تایی، بسیار فوق العاده است و در نتیجه آن:

در هر موقعیتی که قرار گرفتیم باید بدانیم که آن موقعیت را خداوند تقدیر کرده، در آن موقعیت امر و نهی ای متناسب با آن

از طرف خدا وجود دارد که باید به آن عمل کرد و نکته این است که در آن موقعیت جلوه ای از زیبایی و حسن وجود دارد که

باید به آن دست یافت.

این موضوع، اساس موضوعات سوره مبارکه تغابن است.

چه فرقی میکند در چه موقعیتی هستیم، همسر و فرزندان خوب باشد یا بد؟ بیماری باشد یا سلامتی؟ شکست باشد یا

پیروزی؟.... مهم یافتن امر و نهی خدا در آن موقعیت و رسیدن به آن جلوه حسن است.

و این دستورالعمل رسیدن به ایمان راسخ است

و عمل ما در این سه گانه، تسبیح است: حرکت به سمت کمال و دوری از نقص

ممکن است همسر و اولاد دشمن شما باشند (موقعیت تقدیر شده)

امر و نهی الهی (حذر و عفو و صفح و غفران)

حسن (و الله غفور رحیم)

ما باید در هر موقعیت زندگی، حُسن ببینیم، نباید درگیر موقعیت ها بود. باید دنبال جلوه های حسن که همان اسماء و صفات

الهی هستند باشیم.

تنها راه شناخت جلوه های حسن و امر و نهی ها در هر موقعیت، کتاب وحی و رجوع به انبیاء الهی است..

و به همین دلیل دین بسیار باشکوه است چون مجموعه امر و نهی ها و حسن های هر موقعیت را مشخص کرده است.

هیچ انسانی در نسبت وظایف خودش، محدود نیست. کسی نمی تواند جلوی وظایف فردی ما را بگیرد. ولی بروز فعالیت های اجتماعی منوط به همراهی هاست ولی ما باید وظیفه فردی خودمان را در جهت آن فعالیت اجتماعی انجام دهیم.

اگر هر انسانی فقط در موقعیت ها دنبال حسن باشد، ممکن است خیلی از ایدئولوژی ها را بپذیرد و اینجاست که رکن امر و نهی الهی متناسب با آن موقعیت تکلیف را مشخص میکند.

در واقع سه محور ذکر شده باید در کنار هم در نظر گرفته شود (در هر موقعیتی، طبق امر و نهی الهی، حسن را نمایان کنیم)

تا کسی متعهد به انجام اوامر الهی نباشد، قادر به جلوه دادن اسماء الهی که همان حسن است نخواهد بود

با عمل کردن به آن چه که به آن علم داریم، خدا علم به آنچه نمی دانیم را به ما میدهد. (در پاسخ به سوال : گاهی امر و نهی ها را تشخیص نمیدهیم)

آیه ۱۴:

بباید این آیه را در زندگی تمرین کنیم. ممکن است در زندگی همه ما آدم هایی باشند که با دین الهی زاویه دارند. باید از آن ها حذر کنیم یعنی نباید به خاطر آن ها از دین دور شده و در انجام وظایفمان کند شویم. ولی نباید با آن ها بد رفتاری کنیم.

در عین حذر از آن ها و عدم همراهی با آن ها و عدم تاثیرپذیری از آن ها، در برخورد با آن ها:

عفو داشته باشیم: ایراداتش را بپوشانیم و نادیده بگیریم.

صفح داشته باشیم: ویژگی مثبتش را برای تحت تاثیر قرار دادن وجه منفی اش، مورد توجه و بیان قرار دهیم و آن را برجسته کنیم.

غفران داشته باشیم: ویژگی منفی فرد را مثبت در نظر میگیریم. یعنی اگر بدهن است میگوییم حتما چیزی برایش مهم شده که این گونه عمل میکند پس حتما انسان باغیرتی است و فقط جهتش را اشتباه رفته، پس سعی میکنم کمکش کنم تا غیرتش را با ادبیات خوب بگوید.

انسان در قبال اطرافیانش باید این سه کار را انجام دهد.

چگونگی انجام این کار؟

آیه مبارکه ۱۶:

باید یوق شح نفس کرده باشد و جلوی تنگ نظری هایش را گرفته باشد.

کسی که تنگ نظر است نمی تواند در مواجهه با دیگران عفو و صفح و غفران داشته باشد.

اگر کسی نتوانست این کارها را کند مبتلا به شح نفس و بخل درونی است.

میثاق ببندیم:

از این به بعد همه می بایست با اطرافیان خودشان عفو و صفح و غفران داشته باشند

تنگ نظر نباشیم

خیلی مهم است که نگاهمان در مورد اشتباهات اطرافیانمان اینگونه باشد.

تنگ نظری را باید با عمل کردن از بین برد.

باید تا میتوانیم عفو و صفح و غفران کنیم. تا به تدریج شح نفس و تنگ نظری در ما از بین برود ان شاءالله

حذر یعنی پرهیز کردن: عدم همراهی، عدم شرکت در برخی جمع ها، نشنیدن برخی حرف ها و...

دقت داشته باشیم، این دستوالعمل در مورد کسانیست که دشمن دین خدا از نزدیکان ما هستند.

باید هم دین و ایمانمان را حفظ کنیم و هم عفو و صفح و غفران داشته باشیم. جمع بین این دو مهم است.

باید تلاش کرد که هم دین خدا را از دست ندهیم و هم با آنها با غفران برخورد کنیم.